

در این سرفصل همچنین می خوانید:

۵۰ تاوان دست کم گرفتن روسیه

۵۱ اروپا و بازی با نقاط ضعف روسیه

۵۲ روسیه و جایگاه ژئواکونومیک در منطقه

۵۳ اروپا بازنده مسابقه



انرژی روسیه، پاشنه آشیل اروپا

جنگ سرد انرژی

به گزارش واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، روسیه با بهره‌گیری از اهرم انرژی خود، در حال پدید آوردن جنگ سردی علیه اروپا می‌باشد که این بار، اروپا از آن متأثر خواهد شد.

نتیجه افزایش شدید قیمت‌های انرژی از سوی روس‌ها، علیه کشورهای اوکراین، گرجستان، بلاروس، بلغارستان، ارمنستان، مولداوی و همچنین سلطه این کشور بر روی خطوط کلیدی انتقال انرژی، کارشناسان و سیاستمداران بسیاری در غرب هشدار دادند که وابستگی اتحادیه اروپا به منابع گازی روسیه - در حالی که این کشور کنترل جریان صادرات انرژی را نیز در اختیار دارد - می‌تواند سبب تضعیف مواضع اروپا در برابر روسیه شود. این هشدار هر چند نگرانی‌هایی را در غرب برانگیخت، ولی هیچ وقت باعث نشد که اتحادیه اروپا به صورت جدی برای قطع یا کاهش این وابستگی اقدام نماید.

بعد از تنش اخیر روسیه و گرجستان و تقویت این دیدگاه در غرب که باید مانع از زیاده‌طلبی‌های خرس (نماد روسیه) شد، طرف غربی در تلاش است تا با توجه جدی به سیاست‌های اقتصادی خارجی روسیه و عواقب امنیتی حاصل از آن برای اروپا، راهی برای کاهش وابستگی خود بیابد. با چنین احساس خطری اتحادیه اروپا تلاش‌هایی برای تأمین «امنیت انرژی» و متنوع‌سازی حوزه‌های تأمین انرژی خود را آغاز کرده است، اما نبود سیاست‌ها و واکنش‌های قاطع در حوزه انرژی در این اتحادیه، سبب شده تا مسکو همچنان بتواند اجرای سیاست‌های بلندمدت این اتحادیه را برای توسعه خطوط لوله گاز جایگزین و متنوع‌سازی منابع تأمین انرژی خود، به تعویق بیندازد. سران اروپا که در حال حاضر، آینده انرژی خود را در دستان کرملین

مناقشه اخیر بین روسیه و گرجستان، هر چند در درجه اول به اختلافات مسکو و تفلیس بر سر مناطق جدایی طلب آبخازیا و اوستیای جنوبی مربوط می‌شد، اما خیلی زود به تنش در روابط بین روسیه و غرب تبدیل گردید. در واقع بروز این تنش، باعث شد آتشی که در زیر خاکستر روابط مسکو و غرب پنهان شده بود بار دیگر زبانه کشیده و روابط دو طرف را به تنش فعال تبدیل نماید. در این میان، هرچند طرفین منازعه از نقاط قوتی علیه یکدیگر برخوردارند که می‌توانند برای تحت فشار قرار دادن یکدیگر از آنها استفاده کنند، ولی وابستگی اتحادیه اروپا به منابع گازی عظیم روسیه باعث شده که کشورهای عضو این اتحادیه، نتوانند پاسخ قاطعی به اقدامات روسیه نشان دهند؛ اقداماتی که از دیدگاه بسیاری از کارشناسان مسایل بین‌المللی، می‌تواند منجر به آغاز جنگ سرد جدیدی در روابط روسیه و غرب و البته با محور انرژی گردد، آن هم در حالی که این بار، غرب آسیب‌پذیری‌های زیادی دارد.

شروعی دیر هنگام

قطع صادرات نفت و گاز طبیعی اروپای مرکزی از سوی شرکت گاز پروم در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ میلادی، نه تنها سبب افزایش آگاهی‌ها در اروپا و ایالات متحد آمریکا، در خصوص موفقیت روسیه در استفاده از انرژی به عنوان اهرمی سیاسی گردید، بلکه زنگ خطری نیز برای کشورهای عضو اتحاد جماهیر شوروی سابق بود که بعد از چند دهه از زیر سلطه کرملین خارج شده بودند. در

می‌بینند، مدتی است که در جست‌وجوی منابع جدیدی برای تأمین انرژی مورد نیاز اروپا برآمده‌اند، ولی مشکل این است که حضور این اتحادیه در سایر مناطقی همانند آفریقا، ایران و آسیای میانه که از منابع گازی مناسبی برخوردارند نیز با چالش‌های زیادی مواجه است. مشکل اتحادیه اروپا در خصوص حضور در آفریقا این است که کشورهایی چون چین، هند، برزیل، ژاپن و همچنین ایالات متحد آمریکا، برای تأمین امنیت انرژی خود از سال‌ها پیش سرمایه‌گذاری‌های کلانی را در این قاره انجام داده‌اند و عملاً فضا را برای ورود هر رقیب دیگری، به شدت تنگ کرده‌اند.

به سبب تحریم‌های غرب علیه ایران، به دلیل پیگیری فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز کشورمان، اروپا نتوانسته اقدام به سرمایه‌گذاری‌های مورد نظر خود در حوزه‌های عظیم گازی این کشور، مخصوصاً در میدان گازی پارس جنوبی نماید. این در حالی است که به سبب اولتیماتوم آمریکا به شرکت‌های غربی برای خروج از ایران، تعدادی از شرکت‌های اروپایی مانند شل و توتال که در آستانه امضای قرارداد با ایران بودند، با بهانه‌های مختلف از قبیل نامناسب بودن قیمت و یا نیاز به زمان بیشتر برای توجیه ابعاد قرارداد، از انجام کار سر باز زدند و به این ترتیب اروپا تاکنون نتوانسته از طریق ایران از وابستگی خود به گاز روسیه بکاهد. در چنین شرایطی تنها منطقه‌ای که برای تأمین انرژی اروپا باقی می‌ماند آسیای میانه است، ولی باز مشکل این است که منابع آسیای میانه به عنوان منطقه‌ای ثروتمند، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نه تنها توسط همسایگانش - روسیه و چین - که به وسیله آمریکا نیز به دقت زیر نظر است. در واقع باید گفت که روسیه همواره با پیش دستی‌هایی که در خرید عمده منابع گازی اکثر کشورهای این منطقه انجام داده، مانع از برقراری ارتباط مستقیم اروپا با این کشورها در حوزه انرژی شده و همچنان قصد دارد به هر قیمتی وابستگی اروپا را به منابع گازی خود حفظ نماید. ■